

آتش‌سوزی در زندان اوین و اهمیت آزادی زندانیان سیاسی!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

واکنش‌ها به ماجرای «آتش‌سوزی» در زندان اوین نیز هم‌چنان تیتراژ اول برخی رسانه‌های داخلی و بین‌المللی است و واکنش‌های مقام‌های اتحادیه اروپا و برخی کشورهای دیگر را به دنبال داشته است. صدا و سیما جمهوری اسلامی، به نقل از قوه قضاییه اعلام کرد ۴۰ زندانی در آتش‌سوزی زندان اوین کشته شدند اما پس از دقایقی با صدور اصلاحیه‌ای گفت تعداد کشته‌شدگان فقط ۴ نفر بود. ماموران وحشی و سرکوبگر حکومت اسلامی در خیابان‌ها، مستقیماً با گلوله‌های جنگی به معترضین و حتی کودکان شلیک می‌کنند و می‌کشند؛ به مدارس و دانشگاه‌ها حمله می‌کنند؛ به خانه‌های مردم تیراندازی می‌کنند؛ معترضین به‌ویژه دختران جوان را می‌زدند و سپس به قتل می‌رسانند؛ اکنون نیز زندانیان اوین را به خاک و خون کشیده‌اند. به‌خصوص حکومت و رسانه‌هایش سعی می‌کنند به مردم اطلاعات دروغ و منحرف کننده بدهند بیشتر مردم را بی‌اعتماد کرده‌اند و دیگر هیچ‌کس به یاوه‌گویی‌های حکومتیان و در راس همه سیدعلی خامنه‌ای رهبر دیکتاتور حکومت اسلامی اهمیتی نمی‌دهند.



در پی بروز آتش‌سوزی و شنیده شدن صدای تیراندازی و انفجار در زندان اوین هنوز تصویر روشنی از آنچه اتفاق افتاده، وجود ندارد. بخشی از کسانی که در اعتراضات سراسری چهار هفته اخیر بازداشت شده‌اند در اوین زندانی هستند. در این میان کاربران شبکه‌های اجتماعی با ابراز نگرانی در مورد وضعیت زندانیان، که شمار زیادی زندانی عقیدتی و سیاسی و کنش‌گران مدنی هم بین آنان است، فراتر از این روایت رسمی نگران زندانیان هستند. این وقایع در نخستین روز از پنجمین هفته اعتراض‌ها پس از کشته شدن مهسا امینی در بازداشت پلیس جمهوری اسلامی روی داده است. در پی وقایع شبانه‌شب، گروه‌هایی از ماموران امنیتی و هم‌چنین ماشین‌های آتش‌نشانی و امداد رسانی به سوی زندان اوین رفته‌اند و پس از آن منابع رسمی گفته‌اند که شرایط «در کنترل» شان است. یکی از بستگان یک زندانی اوین که خواسته هویتش محفوظ بماند، به پی‌پی‌سی فارسی گفته است که از فاصله چند صد متری زندان اوین شاهد حوادث آن‌جا بوده است. او گفته در حالی که جمعیت زیادی از خانواده‌های زندانیان و همین‌طور افراد دیگری در اطراف زندان اوین جمع شده بودند، ماموران دست به تیراندازی زدند. او گفته است: «تعداد زیادی آمبولانس و تجهیزات آتش‌نشانی دیده می‌شد. بالاخره آتش خاموش شد. کل راه‌های اطراف را بسته بودند.» این بستگان یکی از زندانیان اوین گفته که هنوز اطلاعات درستی از داخل زندان دریافت نکرده است. در فیلم‌ها و تصاویر آمده است که قبل از انفجار در زندان اوین تهران، دست‌کم دو شیء نورانی از خارج زندان به داخل آن شلیک می‌شود. گزارش‌ها حاکی است امشب صدای سه انفجار از زندان اوین شنیده شده است. قطعی یا اختلال شدید در دسترسی به اینترنت در محدوده زندان اوین و در شهر تهران، که توسط چند نهاد ناظر مستقل تایید شده، به نگرانی‌ها درباره وقایع جاری دامن زده است. خانواده‌ها و نزدیکان کسانی که در زندان اوین حبس هستند، در ساعات گذشته و بعد از خبر آتش‌سوزی در این زندان و شنیده شدن صدای انفجار از آن، در شبکه‌های اجتماعی از نگرانی‌هایشان گفته‌اند. با گذشت زمان اطلاعات جدیدی از اتفاقات رخ داده در زندان اوین منتشر شده است. قوه قضاییه کماکان بر روایت خود مبنی بر شروع آتش‌سوزی تعمدی توسط زندانیان متهم به سرقت در بخش تولیدی اوین تاکید کرد. بر اساس آخرین آمار منتشره توسط این نهاد حداقل ۴ زندانی کشته و ۶۱ زندانی دیگر مجروح شده‌اند که حال ۴ تن از آنان وخیم گزارش شده است.

خبرگزاری میزان، رسانه قوه قضاییه حکومت اسلامی، امروز دوشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۱ - ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲، از افزایش تعداد کشته‌های «آتش‌سوزی» زندان اوین به هشت نفر خبر داد. خبرگزاری قوه قضاییه ایران اعلام کرده که این چهار فوتی جدید در جریان آتش‌سوزی آسیب دیده بودند و حال‌شان وخیم بوده است.

میزان در ادامه اضافه کرده که ۶ نفر دیگر از مجروحین این «آتش‌سوزی» هم‌چنان در بیمارستان تحت درمان هستند ولی حال عمومی آن‌ها را مساعد اعلام کرده بود.

خبرگزاری قوه قضاییه در پایان با ذکر این‌که هویت قربانیان مشخص و موارد فوتی به اطلاع خانواده‌ها رسیده، می‌گوید پس از دستور قضایی اسامی قربانیان رسانه‌ای خواهد شد.

در حالی‌که خبرگزاری میزان، رسانه قوه قضاییه حکومت اسلامی علت آتش‌سوزی را درگیری بین تعدادی از زندانی‌های محکومیت مالی در یک «کارگاه کارآفرینی» عنوان کرد، خبرگزاری ایرنا به نقل از یک مقام ارشد امنیتی گفت: «درگیری بین زندانیان با پرسنل زندان اوین صورت گرفته و پس از آن انبار لباس زندانیان دچار آتش‌سوزی شده است.»

با این حال، روزنامه شرق خبر داد که چند مرتبه صدای انفجار شدید از زندان اوین شنیده شده است. به گفته یک شاهد عینی، شدت انفجارها در زندان اوین به اندازه‌ای بود که شیشه برخی خانه‌ها در خیابان‌های اطراف بر اثر موج انفجار شکست.

به گفته شاهدان عینی، از ساعت هشت شب آتش‌سوزی در زندان اوین مشاهده شد و هم‌زمان صدای آژیر و تیراندازی در زندان به صورت ممتد آغاز شد. این در حالی است که به گفته شاهدان، آژیر زندان از صبح چندین بار به صدا درآمده بود.



زندان اوین آتش‌سوزی

هم‌چنین به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، شماری از زندانیان را از اوین خارج کرده و به زندان رجایی شهر برده‌اند. تعدادی از زندانیان هم که مورد هدف گلوله ساچمه‌ای و گلوله جنگی قرار گرفتند، بدون درمان به بند بازگردانده شدند. روز آب و گاز اندررگه (بند) ۸ و بند زنان زندان اوین قطع بوده و غذای زندانیان توزیع نشده است. در مورد کشته و زخمی‌شدگان این واقعه اطلاع دقیقی در دست نیست.

بررسی‌های هرانا نشان می‌دهد زندانیان اندکی پیش از شروع درگیری‌ها در هواخوری‌های اندررگه ۷ و ۸ اقدام به شعار دادن می‌کنند و پس از انتشار خبر سرکوب خشونت‌آمیز زندانیان اندررگه ۸، سایر اندررگه از جمله اندررگه ۷ و ۴ به اعتراض‌ها می‌پیوندند. نقطه اصلی خشونت‌ها اندررگه ۷ گزارش شده است.

بنابر گزارشات دریافتی، در اندررگه ۴ حدود ۳۰ گلوله اشک آور شلیک شده است و با بستن درها تا صبح زندانیان در چنین فضایی در حالی که غیر از حوله و ماسک‌های ساده وسیله‌ای برای محافظت از خود نداشتند نگهداری شده‌اند.

محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، رضا شهابی، حسن سعیدی، سعید مدنی، کیوان مهدی و رسول بدایق از جمله زندانیان سیاسی محبوس در این اندررگه هستند.

نیروهای گارد برخلاف اندررگه ۴ برای به کنترل درآوردن شرایط اندررگه ۷ از نارنجک‌های دودزا و نورزا استفاده کردند، وضعیت زندانیان این بند به همین دلیل نامناسب‌تر از سایر زندانیان در بندهای دیگر گزارش شده است.

هم‌چنین در حال حاضر تمام فعالیت‌های عادی زندان از جمله دسترسی به کتاب‌خانه، هواخوری، آشپزخانه‌ها و فروشگاه لغو شده است.

به گزارش خبرگزاری هرانا، امروز در بخش‌های عمده زندان اوین توزیع غذا صورت نگرفته است، مشخص نیست این امر یک اقدام تنبیهی از سوی مدیریت زندان است یا متاثر از آسیب‌دیدن تجهیزات و ظرفیت آشپزخانه زندان است.

هم‌چنین از بند زنان زندان اوین امروز صدای شعار دادن و اعتراض شنیده شده است که به نظر می‌آید واکنشی به وقایع جاری در زندان اوین بوده است.

بنا به همین گزارش، بهداری زندان ساچمه ها را از بدن زندانیان خارج نکرده است و صرفا به بانسمان سطحی اکتفا کرده است، این مسئله باعث نگرانی زندانیان مجروح شده است.

در پاسخ به اعتراض این زندانیان ضمن دعوت به صبوری، از سوی پرسنل زندان به آن‌ها وعده داده شده است که با فاصله گرفتن از فضای امنیتی و افزایش ظرفیت بهداری، برای خارج کردن ساچمه‌ها مجدد فراخوانده می‌شوند.

دست کم سه تن از زندانیان سیاسی به نام‌های امیرعباس آذرم وند، مهران کریمی و محمد خانی در ردیف زندانیانی هستند که به واسطه گلوله ساچمه‌ای آسیب دیده‌اند. هم‌چنین یک منبع مطلع در گفت‌وگو با هیرانا عنوان کرده که «از طریق یکی از همبندی‌های یاشار توحیدی، زندانی سیاسی مطلع شدیم او در رخدادهای شب گذشته بر اثر شلیک گلوله زخمی شده است اما از وضعیت او بی‌اطلاع هستیم.»

تعداد زیادی از زندانیان از جمله زندانیان سیاسی از بندهای خود خارج و به محل‌های نامعلومی منتقل شده‌اند، از جمله این افراد می‌توان به رضا قلندری، امیرعباس آذرم وند، کسری بنی عامریان، آرش جوهری، مهدی رخ پرور، عادل گرجی، ابوالفضل نجات فرد، ایوب احاراری، علی احاراری، پوریا شهرابی، رضا سلمان‌زاده، صادق امیری، یاشار دارالشفاء، کاوه دارالشفاء، مجتبی توکلی، مسیب رئیسی، محمد ترکمان، یاشار توحیدی، میثم محمدی، وحید بنی عامریان، محمد ایران نژاد، محمد شریعت، سپهر امام‌جمعه، حمیدرضا محمودیان، مرتضی آهار، مجید روشن‌نژاد، مهدی وفاپی، مهدی اکبری، لقمان امین‌پور، اسماعیل گرامی، علی احاراری، عماد شرقی (دوتابعیتی) اشاره کرد.

هیرانا می‌نویسد، گفته می‌شود دست کم ۴۲ زندانی سیاسی به زندان رجایی شهر کرج منتقل شده‌اند با اینحال تا زمان تنظیم گزارش تنها هویت چند تن از آنان به نام‌های پویا قبادی، کاوه دارالشفایی، یاشار دارالشفایی، امیرعباس آذرم وند و آرش جوهری احراز شده است و مشخص نیست چه تعداد دیگری از اسامی مورد اشاره این گزارش در بین منتقل‌شدگان به زندان جدید هستند.

کماکان تعداد زیادی از خانواده‌های نگران در انتظار تماس فرزندان خود و کسب خبر سلامتی آنان هستند. از جمله این زندانیان یاشار توحیدی است که با وجود پیگیری خانواده و وکیل او تاکنون اطلاعی از سرنوشت این زندانی حاصل نشده است.



ادعای خبرگزاری فارس، وابسته به نیروهای امنیتی، در مورد علت شنیده شدن صدای انفجار در جریان آتش‌سوزی و تیراندازی شب گذشته در زندان اوین که چندین کشته و مجروح بر جای گذاشته، این سؤال‌ها را مطرح کرده که آیا تپه‌های اطراف این زندان مین‌گذاری شده و آیا استفاده از سلاح جنگی ضدنفر علیه زندانیان در سایر کشورها نیز رایج است؟

خبرگزاری نزدیک به سپاه پاسداران در جریان پوشش خبری وقایع خونین شنبه‌شب در زندان اوین، ابتدا به نقل از برخی منابع مدعی شد که شنیده شدن صدای چند انفجار از حوالی این زندان ناشی از ورود چند زندانی فراری به محدوده مین‌گذاری شده اطراف زندان بوده است. البته این خبرگزاری سپس به نقل از یک منبع آگاه خبر اولیه خود را تصحیح کرد و نوشت: «در ماجرای دیشب زندان اوین هیچ زندانی روی مین نرفته است.»

هر چند تصاویر منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که برخی انفجارهای رخ داده در زندان اوین ناشی از پرتاب نارنجک‌های صوتی یا نوعی دیگر از مواد منفجره از خارج محوطه زندان به درون آن بوده ولی در هر صورت خبرگزاری فارس چه در خبر نخست و چه در تصحیح آن، از وجود مین‌های ضدنفر در تپه‌های اطراف خبر داده است.

اما آرش زاد، برنده جایزه جوانان سازمان ملل در سال ۲۰۱۵، در پیامی توئیتری به بخشی از گزارش منتشر شده در روزنامه کیهان مورخ ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ استناد کرده که در آن به تلاش گروهی به سرپرستی سرگرد منوچهری برای انهدام مین‌های کارگذاشته شده در تپه‌های اطراف میدان مین اشاره شده است. در این گزارش، تأکید شده که با انهدام و خنثی‌سازی بیش از ۳۰۰ مین، بخش‌های غربی، شمال غربی و شمال زندان اوین پاک شده است.

اکنون روشن نیست که اطراف زندان اوین به‌طور کامل از وجود مین‌های ضدنفر به‌طور کامل پاک نشده و یا این که دوباره مین‌گذاری شده باشد؟

کنوانسیون ممنوعیت مین‌های ضد نفر یک سند حقوق بین‌الملل است که توسعه، تولید، ذخیره، صدور و استفاده از مین‌های ضد نفر را ممنوع می‌کند. این کنوانسیون در ۱ مارس ۲۰۰۹ لازم‌الاجرا شد. دولت‌های عضو این کنوانسیون موظفند تا حداکثر چهار سال تمام ذخایر مین‌های ضد نفر را نابود کنند و تمام مناطق مین‌گذاری شده تحت کنترل خود را در اسرع وقت پاکسازی کنند.

تاکنون ۱۶۳ کشور جهان به عضویت این کنوانسیون درآمده‌اند. ایران از جمله کشورهایی است که تاکنون از عضویت در این کنوانسیون اجتناب کرده که به منزله بالا بودن احتمال ادامه توسعه، تولید، ذخیره، صدور و استفاده از مین‌های ضد نفر از سوی این کشور است. منابع مختلف از جمله کسانی که در سال‌های گذشته و سال‌های اخیر در زندان اوین زندانی بوده‌اند گفته‌اند بندهای ۷ و ۸ این زندان که بالای تپه‌های اوین واقع شده و وقایع شنبه‌شب در آن‌ها یا اطراف‌شان رخ داده، در حال حاضر به محل نگهداری کسانی که تازه بازداشت شده‌اند تبدیل شده و به این ترتیب خیلی از کسانی که در روزهای گذشته دستگیر شده‌اند، از جمله بعضی از معترضان که ماموران آن‌ها را در خیابان بازداشت کرده‌اند، در بند ۷ زندانی‌اند.

هزاران نفر در جریان اعتراض‌های چهار هفته‌ای اخیر در ایران بازداشت شده‌اند و زندانیان و کنش‌گران درباره تراکم بیش از حد زندانیان در زندان‌های شهرهای کوچک و بزرگ، از جمله قرچک و اوین، هشدار داده بودند.

در سال‌های اخیر چندین بار در محوطه اوین آتش‌سوزی رخ داده بود که درباره دو مورد آن، در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۹، مقامات و منابع حکومتی گفتند که مربوط به فضای سبز اطراف ساختمان زندان بوده است.

شمار زیادی شهروند دو تابعیتی هم در زندان اوین محبوس هستند. موقعیتی که توجه بین‌المللی به اخبار زندان اوین را بیش‌تر کرده است.

آتنا دائمی، کنش‌گر مدنی که کم‌تر از یک سال پیش از زندان آزاد شده، در توییتی نوشته است یک روز پیش از این وقایع از زندان اوین به او خبر دادند که سه تن از زندانیان به زندان رجایی‌شهر منتقل شدند و یگان ویژه در بند ۷ مستقر شده است.

خانم دائمی از قول منبعش در زندان اوین نوشته که نیروهای یگان ویژه «حیدر حیدر می‌گویند تا زندانیان را تحریک کنند و تعدادی از زندانیان سیاسی و عمومی هم با شعار پاسخ داده‌اند.»

یک زندانی سیاسی که چند ماه پیش از زندان اوین آزاد شده - و نخواست نامش فاش شود - در مورد موقعیت مکانی بندهای اوین و ترکیب جمعیتی آن‌ها توضیح می‌دهد:

اندرزگاه ۷ و ۸ در کنار بندهای امنیتی ۲۴۰ و ۲۴۱ همه در شمالی‌ترین نقطه زندان اوین واقع شده است که از منتهی‌الیه شرق آن به سوی سالن ملاقات در نزدیکی خیابان درکه مسیری موجود است.

در هفته‌های گذشته هم مانند دوران سال ۸۸ بندهای ۲۴۰ و ۲۴۱ در اختیار وزارت اطلاعات قرار گرفته تا بازداشتی‌ها را هم در انفرادی‌های کوچک که دست‌شویی داخلش دارند نگاه‌دارند و هم سلول‌های بزرگ‌تر چند نفره و حتی به تازگی در سالن‌های بزرگ روبه‌روی انفرادی‌ها هم موقت پهن کرده‌اند؛ اگر فاجعه‌ای رخ داده باشد ممکن است متأسفانه آن‌ها هم آسیب دیده باشند چون اینها همه کنار هم است.

انبار لباس‌ها، سراجی، نجاری و کارگاه‌های لباس که زندانیان روزها برای کار می‌روند همه ساعت ۴، ۵ عصر بسته می‌شود و هیچ‌کس به آن‌جا دسترسی ندارد؛ چون در زیرزمین و با فاصله از اندرزگاه واقع شده و اگر کسی بخواهد به آن‌جا برسد باید از تعداد زیادی در قفل شده عبور کند برای همین من می‌گویم که روایت تمام رسانه‌های حکومتی دروغ است.

از بالای منطقه زندان اوین به سمت پایین، اندرزگاه ۶ است که در یکی، دو ماه گذشته برای جا دادن بازداشتی‌های جدید دوباره مانند سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ محل نگهداری زندانیان سیاسی شده است.

در همین مسیر به سمت پایین، سمت راست می‌رسیم به بهداری، بند ۲۰۹، اندرزگاه ۴ و بند زنان که کنار هم است و پایین‌تر سمت چپ، مسیری است که به سمت بند ۲-الف که در اختیار سپاه پاسداران می‌رود.

پایین‌تر از آن هم اندرزگاه یک واقع شده است که بند قرنطینه است. زندانیان سیاسی تا یکی دو ماه پیش پخش بودند و همین الان هم همه یک‌جا جمع نشده‌اند و خیلی از زندانیان سیاسی در بند ۲۴۰ و ۲۴۱ نگهداری می‌شوند.

بر اساس گزارش‌ها، پس از شلیک بیش از ۲۰۰ تا ۳۰۰ تیر، زندانیان برای خروج به محوطه اقدام کردند و در سالن ۴ در جنوب زندان، درها را شکستند، اما هنگامی که به آخرین در رسیدند، گارد امنیتی در سالن‌ها شروع به شلیک گاز اشک‌آور و گاز رنگی کرد.

بر اساس گزارش‌ها، حال تعدادی از زندانیان به دلیل تنفس حجم بالای دود و گاز وخیم شد و به بهداری منتقل شدند و تعدادی دیگر از زندانیان نیز در اثر اصابت تیرهای ساچمه‌ای زخمی شده و در بهداری بستری شدند.

به گفته شاهدان عینی، آتش به بخش‌های مختلف زندان اوین گسترش پیدا کرد و بخشی از سقف آن به دلیل شدت آتش فرو ریخت. یکی از بستگان زندانیان سیاسی به بی‌بی‌سی خبر داد که تشنج «از روز پنجشنبه در بند ۸ و با انتقال ۵ نفر از زندانیان سیاسی به زندان فشافویه شروع شده است.»

او گفت «زندانیان سیاسی بند ۸ به انتقال هم‌بندی‌هایشان اعتراض کردند. اما گارد زندان به جای آرام کردن آن‌ها «حیدر...حیدر گویان» در میان آن‌ها رعب و وحشت ایجاد کردند که همین فضا را ناآرام‌تر کرد.»

او می‌گوید که در بند چهار وقتی صدای تیراندازی و درگیری شنیده شده، «زندانیان به سمت درها هجوم بردند و سه در را شکستند. به در چهارم که رسیدند گارد ضدشورش حمله کرد و از همه جا به ما گاز اشک‌آور زدند. از پشت‌بام، داخل حیاط و سالن‌ها. خیلی از ما

حال‌مان بد شد.»

خیلی از زندانیان از استعمال گاز اشک‌آور بدحال شدند و به بهداری منتقل شدند. گفته شده «تعداد مجروحان چشمگیر بود و بیکر چهار نفر پیچیده در کاور در سالن بهداری قرار داشت.»

به گفته دو تن از خانواده‌های زنان زندانی بند اوین، آن‌ها نیز با شنیدن صدای درگیری‌ها درها را شکسته و در حیاط بند جمع شده‌اند. در این هنگام نیروهای گارد ضدشورش قصد ورود به این بند را داشته‌اند که با ممانعت حشمت‌الله حیات‌الغیب، مدیرکل زندان‌های استان تهران و محمدی، مسئول حفاظت زندان رویه‌رو شدند.

در پی انتشار این خبر، گروهی از خانواده‌های زندانیان در نگرانی از وضعیت عزیزانشان به سمت اوین رفتند.

با ادامه آتش‌سوزی زندان اوین، مردم با برگزاری تجمع در اطراف این زندان شعارهای ضد حکومتی از جمله «مرگ بر دیکتاتور» سردادند. محسن منصوری، استاندار تهران، که به برای بازدید به زندان اوین رفته بود در مصاحبه‌ای تلویزیونی، ادعا کرد: «مسئله اصلی ایجاد آتش‌سوزی از سوی برخی زندانیان بود که نیروهای آتش‌نشانی آن را مهار کردند. هم اکنون وضعیت زندان اوین کاملاً تحت کنترل بوده و آرامش در مجموعه زندان برقرار است.»

استاندار تهران با اشاره به این که نیروهای امنیتی در حال «رصد و کنترل» خیابان‌های اطراف زندان هستند، از مردم خواست به فراخوان‌های «رسانه‌های بیگانه» برای تجمع در این محل توجه نکنند.

دادستان تهران نیز گفت درگیری زندان اوین ارتباطی با «اعتیاشات اخیر» ندارد.



نمایی از ورودی زندان لاکان رشت

پیش‌تر نیز درگیری گارد ضدشورش با زندانیان در زندان لاکان رشت و کشته و زخمی شدن شماری از زندانیان خیرساز شده بود. در باره وقایع این زندان نیز حکومت و مخالفان دو روایت متفاوت از درگیری‌ها یک‌شنبه ۱۷ مهر - ۹ اکتبر ارائه دادند. شمار دقیق تلفات درگیری در این زندان مشخص نیست.

مهدی فلاح میری، دادستان گیلان در توضیح وقایع زندان لاکان رشت گفته است که «به دلیل ممانعت از خدمات رسانی به مجروحان توسط زندانیان، برخی از مجروحان فوت کرده‌اند.»

این در حالی است که پلیس گارد ضد شورش برای مقابله با زندانیان به خشونت متوسل شده است.

پیش‌تر تصاویری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود که حاکی از حضور نیروهای ویژه پلیس در اطراف زندان بود. در این تصاویر صدای تیراندازی هم به گوش می‌رسید.

زندان لاکان بزرگ‌ترین زندان رشت است و در جاده کمربندی رشت_تهران قرار دارد.

پیش‌تر گزارش‌هایی هم از فرار زندانیان منتشر شد که مقامات دولتی آن را رد کردند. در یکی از صداهای منتشر شده از این حادثه فردی که هویت او مشخص نیست از مردم می‌خواهد تا به آن‌ها در زندان لاکان کمک برسانند. او می‌گوید تعدادی از زندانیان کشته شدند.

آتنا دائمی فعال سیاسی که خود زمانی در این زندان بازداشت بود، در توییتی نوشت «اول برای متفرق کردن مردم گفتند یک زندانی خودسوزی کرده و بعد گفتند دعوی شخصی بوده اما مردم محلی می‌گویند راه‌ها بسته است و صدای تیراندازی از داخل زندان شنیده شده است و آتش شعله‌ور بوده، نگران زندانیان لاکان هستیم.»

منابع حکومتی در روایت خود از این واقعه می‌گویند «تعدادی از زندانیان بند ۸ زندان لاکان رشت که محکوم به قصاص قتل عمد هستند بر اثر اختلافات شخصی با هم درگیر شدند.»

زندان بزرگ لاکان رشت، ۱۲ بند اصلی دارد.

رشت از جمله شهرهایی بود که پس از جانباختن مهسا (ژینا) امینی به موج اعتراضات در ایران پیوست. در این اعتراضات تعداد زیادی بازداشت شدند.

برخی از کنشگران سیاسی در ایران می‌گویند بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر در این زندان ننگه‌داری می‌شوند. گزارش‌های غیررسمی حاکی از بروز ناآرامی در زندان لاکان رشت و «شورش» زندانیان در این زندان است.

آتنا دائمی، فعال حقوق بشر که پیش از این در زندان لاکان رشت زندانی بوده، در توییتی نوشت: «دادستان رشت گفته تعدادی از زندانیان در بندها پنهان شده‌اند و آتش رویت شده از سمت زندان‌بان‌ها برای خنثی کردن گاز اشک‌آور بوده! حال آن‌که خبرهایی رسیده که زندانیان شورش کرده و تعدادی فرار کرده‌اند!»

مقامات رسمی واکنش چندانی نشان نداده‌اند. مهدی فلاح میری دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان گیلان به شبکه تلویزیونی این استان گفته که درگیری بین «محکومین سنگین و قصاص با برخی از محکومین در بند دیگر» بود.

او درباره آتش سوزی در زندان هم گفت که زندانیان با آسیب وارد کردن به لوازم برقی موجب جرقه زدن و قطع برق سالن بند شدند که تشدید درگیری را به دنبال داشت، اما بلافاصله مأموران مستقر در زندان و اطراف زندان خودشان را به بند می‌رسانند و موضوع خیلی زود جمع می‌شود.

در حالیکه شایعاتی از فرار برخی زندانیان مطرح شده، این مقام قضایی گیلان ضمنی در دسترس نبودن برخی زندانیان را تایید کرد و گفت برخی زندانیان در بند پنهان شده‌اند. هم اکنون در حال برقراری جریان برق سالن بند هستیم و به محض مشخص شدن همه مسائل، گزارش تکمیلی اعلام می‌شود.

هم‌زمان با خبرهای ضد و نقیض، برخی از کاربران در فضای مجازی فیلم‌هایی از اعزام و نیرو و تجهیزات سرکوب منتشر کرده‌اند. برخی فعالان هم ابراز نگرانی کرده‌اند که احتمال دارد به بهانه برخورد با زندانیان محکومیت سنگین، بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر از بین برده شوند.

در اعتراضات که بعد از مرگ مهسا امینی آغاز شد، تا چند روز نخست، در رشت تظاهرات و درگیری زیادی بین مردم معترض و پلیس بود که در نهایت با سرکوب شدید پلیس مواجه شد. برخی منابع از کشتن دست‌کم ۲۰ نفر و بازداشت صدها نفر در رشت خبر می‌دهند. اغلب بازداشتی‌های سیاسی در رشت بعد از بازجویی توسط نهادهای امنیتی، به زندان لاکان در پنج کیلومتری جنوب رشت منتقل می‌شوند.

مهدی فلاح میری، دادستان عمومی و انقلاب مرکز گیلان، گفت که «تعدادی از زندانیان بند ۸ زندان لاکان رشت که محکوم به قصاص قتل عمد هستند، بر اثر اختلافات شخصی با هم درگیر شدند که با پیوستن تعداد دیگری از زندانیان، فضای این بخش از زندان رشت به صورت موقت و محدود متشنج شد.»

اما منابع نزدیک به زندانیان گفته‌اند که مسئله ارتباطی به درگیری شخصی بین زندانیان نداشته است. به گفته این منابع، مسئله نه دعوای بین زندانیان محکوم به قصاص بلکه «شورش» زندانیان بوده است.

این منابع از جمله به رادیو فردا گفته‌اند: «زمانی که نگهبانان برای انتقال یک زندانی به بند دیگری وارد بند ۸ شدند، زندانیان دست به شورش زدند و مأموران افسر نگهبان را گروگان گرفته و بعد وارد راهروها شدند.»

آن‌ها افزودند: «شورش با اتصال سیم‌های برق و آتش‌سوزی به راه افتاد و تا نزدیکی صبح ادامه داشت و مأموران در گروگان زندانیان بودند.»

به گفته آن‌ها، «کامپیوترها و دوربین‌های زندان از بین رفته و تلفن کل زندان، چه در بند مردان و چه بند زنان، قطع است.» این در حالی است که گزارش‌هایی از آتش‌سوزی در زندان لاکان هم در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

دادستان گیلان، ادعا کرده است که «زندانیان با آسیب وارد کردن به لوازم برقی موجب جرقه زدن و قطع برق سالن بند شده‌اند که تشدید درگیری را به دنبال داشت، اما بلافاصله مأموران مستقر در زندان و اطراف زندان خودشان را به بند رسانده‌اند و برای آرام و پراکنده کردن زندانیان از گاز اشک‌آور استفاده کرده‌اند.»

برخی منابع در شبکه‌های اجتماعی هم از «کشته‌شدن چهار سرباز و چهار زندانی» خبر داده‌اند و برخی دیگر شمار کشته‌ها را «بیش از ۱۷ زندانی» عنوان کرده‌اند.

به گفته دادستان گیلان، «با توجه به قطعی برق به جهت تخریب تاسیسات»، برخی از مجروحان فوت کرده و مابقی جهت مداوا به بیمارستان منتقل شده‌اند.

زندان لاکان رشت در پنج کیلومتری جنوب رشت بزرگ‌ترین زندان استان گیلان است که بیش از پنج هزار زندانی مرد و دویست زندانی زن در آن ننگه‌داری می‌شوند.

درگیری در زندان لاکان رشت در حالی رخ داده است که اعتراضات سراسری پیوسته علیه حکومت اسلامی وارد چهارمین هفته شده بود.



خیزش سراسری مردم ایران علیه حکومت اسلامی، یکشنبه ۲۴ مهر در هفته پنجم در حالی ادامه یافت که در پی آتش‌سوزی در زندان اوین تهران و افزایش نگرانی در خصوص سلامت زندانیان محبوس در این زندان، مقامات و رسانه‌های حکومتی با اظهارات و گزارش‌های متناقض، از اطلاع‌رسانی درباره دلیل این حادثه و میزان دقیق خسارات جانی وارده خودداری می‌کنند.

صدا و سیما جمهوری اسلامی، شب گذشته به نقل از قوه قضاییه اعلام کرد ۴۰ زندانی زندان اوین کشته شدند اما پس از دقایقی با صدور اصلاحیه‌ای گفت تعداد کشته‌شدگان فقط ۴ نفر بود.

قوه قضاییه حکومت اسلامی ایران، صبح دیروز کشته‌شدن چهار زندانی و وخیم بودن حال چهار زندانی دیگر را تایید کرده بود. اندکی بعد، «مشرق نیوز»، وبسایت نزدیک به سپاه پاسداران مدعی شد، شب شنبه شماری از زندانیان اوین به سوی ضلع شمالی این زندان فرار کرده که پس از ورود آن‌ها به میدان مین، «هفت نفر» کشته شدند.

چند ساعت پس از تیراندازی و آتش‌سوزی هولناک در اوین، به مرور ابعاد تازه از اتفاقات مرگ‌بار در این زندان منتشر می‌شود. حادثه مرگ‌بار شنبه شب، چندین کشته و ده‌ها مجروح بر جا گذاشته است. اما هنوز هیچ‌کس جز مقامات زندان اوین و حکومت، هیچ‌کس نمی‌داند که آن شب هولناک چه اتفاقی افتاده است؟!

ظرف چند ساعت، رسانه‌ها و مقام‌های حکومت روایت‌هایی ضد و نقیض از این حادثه منتشر کرده‌اند، از درگیری و فرار زندانیان تا انفجار مین و تکذیب آن. روابط عمومی قوه قضاییه هم در اطلاعیه‌ای از چهار کشته و ۶۱ مجروح خبر داد. منابع غیررسمی می‌گویند شمار کشته‌شدگان بیشتر بوده است.

قوه قضاییه علت کشته‌شدن زندانیان که سازمان زندان‌ها مسئول جان آنهاست را استنشاق دود ناشی از آتش‌سوزی‌ها «عنوان کرده است. قوه قضاییه می‌گوید شماری از مجروحان «بستری» اند و حال برخی از زخمی‌ها هم «وخیم» است. این نهاد در عین حال ادعا کرد شماری از زندانیان قصد «فرار» داشتند و آن‌ها را «زندانیان جرایم خشن و خطرناک» معرفی کرد.

در روایت رسانه‌های حکومتی حریقی که در ویدیوها دیده می‌شود به‌خاطر آتش‌سوزی در کارگاه خیاطی زندان اوین بوده است. اما تصاویر منتشر شده از صدای تیراندازی حکایت می‌کند. اکنون روایت‌های زندانیان سیاسی نیز حاکی از خشونت شدید گارد ضد شورش زندانیان دارد.

در همین راستا، دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف، روز گذشته ضمن برگزاری تجمعات گسترده با محکوم کردن حوادث زندان اوین، مخالفت خود را با حکومت اسلامی نشان داده و از مردم خواستند تا به جمع معترضان در خیابان‌ها بپیوندند.

در ادامه اعتراضات سراسری، معترضان شهرک اکباتان تهران، شب گذشته با شعار «سپاهی داعشی، قاتل کودک گُشی» و «مهسای ما نیکای ما، ندای آزادی ما» در خیابان‌های این شهر تجمع کردند.

معترضان در محکومیت کشتار زندان اوین، شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» سر دادند.

شهروندان معترض در تهران با تجمع در میدان تجریش تهران شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند.

در ادامه اعتراضات، تعدادی از مردم تهران در خیابان کاشانی با روشن کردن آتش و ایجاد راهبندان تجمع کردند.

شهروندان هم‌چنین در منطقه‌های مختلف تهران و کرج از پنجره خانه‌های خود شعارهایی علیه حکومت اسلامی و مقامات آن سر دادند.

معترضان در محله «غفور» سندانج شب گذشته با ایجاد راهبندان به اعتراضات شبانه خود ادامه دادند.

مردم دیواندره واقع در استان کردستان، در خیابان‌های این شهر تجمع کرده و شعارهایی از جمله «ژن، ژیان، آزادی» سر دادند.

اعتراضات جاری در ایران با قتل مهسا امینی، شهروند ۲۲ ساله سقزی آغاز و پس از زمان کوتاهی به تظاهرات ضدحکومتی گسترده علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد.

خبرگزاری «هرانا» ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، بر اساس آخرین گزارش‌های دریافتی خود اعلام کرد که از آغاز خیزش سراسری مردم ایران تا یکشنبه ۲۳ مهر، ۲۴۰ معترض توسط نیروهای امنیتی کشته شده که از بین آن‌ها ۳۲ نفر کودک بوده‌اند. هم‌چنین برآوردها نشان می‌دهد که تاکنون بیش از هفت هزار و ۸۰۰ نفر در شهرهای مختلف ایران بازداشت شده‌اند که هویت ۷۷۸ تن از آنان احراز شده است. شمار دانشجویان بازداشتی نیز ۱۷۷ نفر است. در حال حاضر، ۷۹ دانشگاه در ایران به اعتراض‌ها پیوسته‌اند و تعداد شهرهای معترض نیز به ۱۱۴ شهر افزایش یافته است.

با وجود جو شدید امنیتی در دانشگاه‌ها و تهدید مستمر دانشجویان معترض، تجمع‌های اعتراضی دانشجویان روز یکشنبه نیز ادامه یافت و هزاران دانشجو در سراسر ایران علیه حکومت و علی خامنه‌ای شعار دادند.

در تهران، دانشجویان دانشگاه‌های شریعی، سوره، شهید بهشتی، تهران و خوارزمی با سر دادن شعارهایی مانند «بسیجی ساندیس‌خور، آخرش خوب بخور»، «تهران شده بازداشتگاه، اوین شده کشتارگاه» و «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت» تجمع اعتراضی برگزار کردند. تجمع‌های مشابهی نیز در دانشگاه‌های تبریز، مازندران، بابل، مشهد، کرج، شهرکرد، گیلان و اردبیل برگزار شد.

اعتراض‌های دانش‌آموزی نیز که از هفته سوم خیزش سراسری علیه جمهوری اسلامی آغاز شده بود، در هفته پنجم ابعاد جدیدی یافت؛ ویدیوها در رسانه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که تجمع‌های دانش‌آموزی روز یکشنبه هم در شهرهای مختلف ادامه داشتند. هم‌زمان، سازمان حقوق بشری هه‌نگو خبر داد که ماموران امنیتی دست‌کم پنج دانش‌آموز را در استان کردستان ربوده‌اند. بر اساس این گزارش، ماموران حکومتی به دبیرستان دخترانه سمیه در شهرستان سروآباد هجوم بردند و پنج دختر دبیرستانی را به دلیل شعارنویسی بازداشت کردند؛ از این میان، یک نفر پس از ضرب‌وشتم شدید، آزاد شد اما از سرنوشت چهار دختر دیگر خبری در دست نیست.

خشونت علیه کودکان در مدارس در حالی ادامه دارد که یوسف نوری، وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، مدعی شد که «از گل نازک‌تر» به دانش‌آموزان گفته نمی‌شود؛ ادعایی که ماجرای دبیرستان اردبیل و خشونت علیه دانش‌آموزان بی‌اساس بودن آن را اثبات می‌کند. برخی کاربران در فضای مجازی نیز خبر داده‌اند که مدیران تعدادی از مدارس کتاب‌های دانش‌آموزان را نگاه می‌کنند و اگر عکس خمینی و خامنه‌ای از ابتدای کتاب‌ها پاره شده باشد، آنان را تنبیه، اخراج یا به نهادهای امنیتی معرفی می‌کنند.

بر اساس گزارش‌ها، در دور جدید اعتراض‌های مردمی ایران که از روز ۲۶ شهریور و پس از کشته شدن مهسا امینی در بازداشتگاه پلیس امنیت اخلاقی تهران آغاز شد، تاکنون ۴۷۲ تجمع اعتراضی شهری و دانشگاهی در ایران برگزار شده است.

مناطق مختلفی از پایتخت ایران روز و شامگاه یکشنبه صحنه برگزاری تجمع‌های اعتراضی مردم و درگیری با ماموران حکومتی و گارد ویژه بودند. حمله ماموران امنیتی به مردم معترض در محله نازی‌آباد تهران و پرتاب گاز اشک‌آور به آتش گرفتن خانه یکی از اهالی منجر شد.

مردم تهران در خیابان‌های کاشانی و شریعی تهران نیز تجمع کردند و در بسیاری از نقاط تهران، سر دادن شعارهای شبانه علیه علی خامنه‌ای و حکومت ایران از پشت‌بام‌ها و پنجره‌ها نیز تا پاسی از شب ادامه داشت. هم‌چنین تجمع بزرگی با حضور شمار زیادی از مردم در شهرک اکباتان برگزار شد و معترضان شعارهایی مانند «سپاهی داعشی، تا کی کودک‌کشی» سر دادند.

تجمع اعتراضی مردم در بازار بلورفروشان واقع در منطقه شوش تهران نیز با پرتاب گاز اشک‌آور و تیراندازی ماموران به سوی مردم به خشونت کشیده شد. در ویدیوها و تصاویری که در رسانه‌های اجتماعی منتشر شدند، تعطیلی کامل مغازه‌ها و درگیری میان ماموران و معترضان مشهود است.

خیزش سراسری مردم علیه حکومت اسلامی در دیگر شهرهای ایران نیز ادامه یافت؛ ویدیوهای منتشرشده در رسانه‌های اجتماعی و گزارش‌های محلی از برگزاری تجمع‌های خیابانی در استان‌هایی مانند آذربایجان شرقی، اردبیل، گیلان، فارس، یزد، اصفهان و البرز حکایت دارد. هم‌چنین بر اساس گزارش‌های محلی از شهرهای کیش، مسجدسلیمان و یزد، تجمع‌های اعتراضی در این مناطق تا نیمه‌های شب ادامه داشت.

با وجود سرکوب شدید معترضان هم‌چنان فراخوان‌هایی برای پیوستن به اعتصاب‌ها و برگزاری تجمع در شهرهای مختلف منتشر می‌شود؛ کارگران نیشکر هفت‌تپه قصد دارند روز سه‌شنبه، ۲۶ مهر، تجمع اعتراضی برگزار کنند. جوانان محلات شهر تبریز هم از اهالی تبریز و دیگر شهرهای ایران خواسته‌اند روز ۲۸ مهر، هم‌زمان با زادروز ستارخان، به خیابان‌ها بیایند. در این فراخوان آمده است: «ما روز ۲۸ مهر نشان خواهیم داد وارثان برحق پرچم آزادی ایران در سیاه‌ترین روزهای استبدادیم.»

در نتیجه‌گیری می‌توانیم تأکید کنیم که یک منبع آگاه نزدیک به خانواده سپیده قلیان، زندانی در اوین، به بی‌بی‌سی فارسی گفته که او در تماسی گفته است که «دیشب وضعیت زندان مثل جنگ بود.» او گفته «آن‌قدر سروصداهای مهیب می‌آمد که بعضی برای نجات خود در را شکستند و خود را به محوطه هواخوری رساندند. ولی تک تیراندازها شلیک می‌کردند و گاز اشک‌آور می‌زدند.» این زندانی سیاسی گفت که حشمت‌الله حیات‌الغیب، مدیرکل زندان‌های استان تهران «خودش را انداخت جلوی گارد که نریزند داخل و می‌گفت من مدیر کل سازمان زندان‌ها هستم ولی کو گوش شنوا... وقتی با مقاومت حیات‌الغیب مواجه شدند، گاز اشک‌آور و تیر هوایی می‌زدند.»

دانشجویان معترض در دانشگاه تهران روز یکشنبه در تجمعی شعار دادند «تهران شده بازداشتگاه، اوین شده کشتارگاه.» در هفته‌های اخیر شمار زیادی از معترضان بازداشت و به زندان اوین منتقل شده‌اند و این احتمال نیز مطرح است که تمدید احتمالی مرخصی برخی زندانیان به دلیل ازدحام ناگهانی جمعیت زندان باشد.

زندان اوین در پنج هفته اخیر هم‌زمان با اعتراضات سراسری در ایران صحنه تحصن و اعتراض زندانیان بوده است. تا کنون هیچ‌یک از مقام‌های رسمی ایران در مورد ادعاهای مطرح شده در مورد مین‌گذاری تپه‌های اطراف زندان اوین و انفجار شب گذشته تعدادی از آن‌ها اظهارنظری نکرده‌اند.

هم‌زمان ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی از تجمع معترضان در سعادت‌آباد در خیابان منتهی به اوین منتشر شده است. معترضان روی خیابان سنگ ریخته و لاستیک آتش زده‌اند.

ویدیوها حاکی است مردم در مسیر حرکت به سمت زندان اوین، تعدادی از بیلبوردها را آتش زده و پرچم‌های حکومت اسلامی را از میله‌ها در اتوبان یادگار پایین کشیدند.

شکی نیست که زندانیان زندان اوین در مقابل انواع و اقسام شکنجه‌ها و فشارهای ضدانسانی مسئولین زندان و زندانبانان دست به اعتراض و شورش زده بودند. صدای تیراندازی‌های ممتد از داخل زندان نشان از آن دارد که نیروهای امنیتی در داخل زندان و برای مقابله با زندانیان بی‌دفاع نیز به سلاح و کشتار روی آورده‌اند. اکنون صورت دارد که برای تضمین جان و امنیت زندانیان باید اعتراض درون زندان را به بیرون زندان‌ها و به خیابان‌ها و تجمعات و اعتصابات آورد. از جمله ضرورت دارد که اکنون مقابل زندان اوین و کلیه زندان‌ها در شهرهای مختلف به محل تجمع خانواده‌های زندانیان و همراهی و حمایت مردم آزاده از این خانواده‌ها و زندانیان تبدیل گردد. باید در این تجمع‌ها و اعتراض‌های خیابانی و در اعتصاب دانشگاه‌ها و مدارس و مراکز کار، خواستار آزادی نه تنها فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام شد، بلکه باید خواهان آزادی همه زندانیان اجتماعی باشیم. مسلم است که به زودی با قدرت انقلاب مرد و همبستگی‌های بین المللی در زندان‌ها را باز خواهد شد و با سرنگونی حکومت اسلامی، همه عاملان و عامران و مقامات سیاسی و نظامی و قضایی و...، حکومت اسلامی در دادگاه‌های مردمی محاکمه خواهند شد.

دوشنبه بیست و پنجم مهر ۱۴۰۱ - هفدهم اکتبر ۲۰۲۲

ضمیمه:

زندان اوین، یکی از مشهورترین زندان‌های ایران است. این زندان در شمال غرب تهران واقع شده است. این زندان از شمال به روستای درکه، از جنوب و غرب به شهرک سعادت آباد و از شرق و شمال شرقی به اوین و دانشگاه ملی ایران محدود شده و بر روی دامنه جنوبی رشته کوه البرز در مساحتی بالغ بر ۴۳۰۰۰۰ مترمربع ساخته شده است.

یکی از معماران زندان اوینامیر نصرت منقح بود. ساخت این زندان در زمینی به مساحت ۴۰ هکتار از دهه ۱۳۴۰ آغاز شد و در سال ۱۳۵۰ افتتاح شد. زمینی که در آن زندان اوین ساخته شده است، سابقا خانه سید ضیاءالدین طباطبائی، روزنامه‌نگار و نخست‌وزیر ایران درد وارن پس از کودتای رضاخان بود.

پیش از انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، اوین مستقیما توسط ساواک اداره می‌شد. با آن که ساختمان اولیه زندان اوین شامل بیست سلول انفرادی و دو بند عمومی فقط برای ۳۲۰ نفر ساخته شده بود، در طی سال‌های بعد به ساختمان‌های زندان چند بار اضافه شد به طوری که در سال قبل از آغاز انقلاب تعداد سلول‌های انفرادی تا پنج برابر (یعنی یکصد سلول انفرادی) در بند ۲۰۹ افزایش یافت. همین بند سه طبقه شامل شش اتاق بازجویی در زیرزمین آن بود.

یک حیاط اعدام، یک دادگاه، و بندهای جداگانه برای زنان و زندانیان عادی هم ساخته شدند. مجموع این ساختمان‌ها دارای ظرفیت اسمی بالای یک هزار و پانصد نفر بودند اما تعداد زندانیان اوین بیش از دو برابر این ظرفیت اسمی بود. شرایط زندان اوین از نظر سختگیری با زندانیان به مراتب بدتر از زندان‌های بزرگ دیگر ایران بود اما از نظر غذا و سرویس‌های بهداشتی بهتر بود.

زندانین سیاسی از طیف‌ها و گروه‌های مختلف مخالف حکومت پهلوی بودند. مسن‌ترین زندانی سرتیپ علی اکبر درخشانی بود که در ۷ فروردین ۱۳۵۷ در سن ۸۲ سالگی توسط ساواک دستگیر شد و همان شب در زندان اوین درگذشت. اشرف دهقانی در پیش از انقلاب موفق به فرار از زندان اوین شد. و کتاب «حماسه مقاومت» را در مورد شکنجه‌ها و شرایط زندان اوین نوشت.

زندان اوین در دوران ۴۴ ساله حاکمیت جمهوری اسلامی؛ رسماً عنوان بازداشتگاه موقت را دارد اما زندانیانی در آن به سر می‌برند که بعضا بیش از ۱۰ سال در بندها و سلول‌های این شکنجه‌گاه مخوف به سر می‌برند.

زندان اوین از ساختمان‌ها و بخش‌های متعددی تشکیل شده که با سیم‌خاردار محصور است. در پشت این حصار محوطه مین‌گذاری شده‌ای وجود دارد که درون حصار اصلی است

بندهای زندان اوین:

این زندان به‌طور کلی از دو بخش جنوبی و شمالی تشکیل شده است.

بخش جنوبی شامل:

ساختمان‌های اداری، شعبه‌های بازجویی وابسته به دادستانی انقلاب تهران و شعبه‌های دادگاه، مجموعه بندهای چهارگانه شامل بند یک تا چهار، ۲۰۹، آشپزخانه و بهداری زندان، مجموعه بندهای ۳۲۵ شامل دو بند عمومی و سلول‌های انفرادی موسوم به زندان سبز یا زندان قدیم می‌باشد.

بخش شمالی شامل:

حسینیه، سالن‌های یک تا شش آموزشگاه و هواخوری آن‌ها، ۴۰۰ سلول انفرادی موسوم به آسایشگاه، کارگاه اوین. هم‌چنین در قسمت شمالی زندان اوین، درب شمالی زندان قرار دارد. این درب به خیابان منتهی به روستای درکه باز می‌شود. این درب استفاده عمومی ندارد و برای رفت و آمدهای ویژه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

لازم به یادآوری است که زندان قبل از اسلام نیز در ایران استفاده می‌شده است. اما پس از ورود اسلام به ایران نیز، این بازداشتگاه‌ها به دست خلفای عباسی احداث شد و کم‌کم به روزهای قبل از ورود اسلام و محبوس کردن برای از بین بردن افراد تبدیل شد.

برای اولین بار در ایران در دوران قاجاریه امیرکبیر در سال ۱۲۶۶ ه.ق. با صدور فرمانی اقدام به لغو شکنجه و سرو سامان دادن به اوضاع زندان‌ها و زندانیان کرد ولی به خاطر عزل وی این اقدامات چندان دوامی نداشت با این همه در دوران قاجار باز هم تشویق برخی افراد نظیر میرزا حسین خان سپهسالار اقداماتی برای انسانی کردن زندان‌ها صورت پذیرفت. در میان این اقدامات کنت دومون فورت اولین رئیس پلیس تهران توانست اقدامات عمده‌ای را در دوران پس از وقوع انقلاب مشروطه به وجود آورد.

در ایران معاصر و پس از برقراری حکومت قاجار قدیمی‌ترین زندان بزرگ در تهران زندانی به نام انبارشاهی بود که زیر نقاره خانه ارک یعنی محل فعلی بانک ملی بازار قرار داشت و زیر نظر حاجب الدوله (رئیس تشریفات) اداره می‌شد.

فراشباشی، رئیس اجراییات و فراش‌ها نگهبان انبارشاهی بودند غذای زندانیان بسیار ناچیز بود به طوری که مردم به عنوان نذر گاهی از سوراخ زندان غذا و خوراکی برای زندانیان می‌انداختند تا این که در سال ۱۲۹۲ شمسی دولت ایران به منظور سرو سامان دادن به وضع شهربانی کشور (نظمیه) عده‌ای مستشار سوئدی استخدام کرد. مستشاران سوئدی ابتدا نظام نامه محابس را تهیه کردند که در سال ۱۲۹۸ شمسی به تصویب هیات دولت رسید و این اولین آیین‌نامه و مقررات زندان‌ها شد. در این آیین‌نامه زجر بدنی و زنجیر کردن زندانیان ممنوع شد.

در دوران سرتیپ درگاهی رئیس شهربانی وقت نظام‌نامه تشکیلات محابس و توقیف گاه‌ها و وظایف ماموران و مستخدمان آن‌ها تهیه و در ۳۱ شهریور سال ۱۳۰۷ شمسی به تصویب رسید و در همان سال نظام‌نامه اجرای حکم اعدام نیز تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد. در ۲۱ مهر ماه سال ۱۳۴۷ اولین آیین‌نامه زندان‌ها با توجه به اصول علم زندان‌ها نسبت به کانون اصلاح و تربیت به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۴ آیین‌نامه مذکور اصلاح شد و به سایر زندان‌ها تعمیم داده شد اما به علت نبود امکانات بیش‌تر مفادشان اجرا نشد.

زندان قصر اولین زندان متمرکز تهران است. این زندان هم اینک تعطیل شده و به عنوان باغ موزه قصر مورد بازدید عموم است. در زمان ریاست سوئدی‌ها بر شهربانی (نظمیه) تهران، زندان نظمیه در محل اداره شهربانی (بخشی از وزارت خارجه فعلی) در میدان توپخانه واقع بود. این زندان مرکب از دو یا سه اتاقک کوچک معروف به حبس نمره یک و چند اتاق و یک زیرزمین برای زندانیان عمومی بود.

با کودتای رضاخان و آغاز حکومت او، محل قبلی تکافوی خیل عظیم زندانیان را نمی‌کرد. لذا سرتیپ درگاهی، رئیس نظمیه تقاضای یک محل وسیع برای ایجاد زندان تهران را نمود. محلی که برای این کار در نظر گرفته شد. قصر قاجار حدفاصل سه راه زندان، پل سیدخندان، خیابان شریعی و خیابان پلیس فعلی بود که دارای ساختمان‌های قدیمی و وسیع و متروکه بود. این مجموعه که در سال ۱۱۶۸ خورشیدی ساخته شده بود، محل مناسبی برای ایجاد زندان تشخیص داده شد. و بین ارتش، مخابرات و زندان تقسیم گردید.

زندان قصر در تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۰۸ به دست رضاشاه افتتاح گردید. فاز اولیه زندان که در آن زمان افتتاح شد ۱۹۲ اتاق بود با گنجایش ۸۰۰ زندانی. بعدها و تا زمان ساخت زندان اوین در دهه چهل، این زندان تنها زندان پایتخت بود. در این دوران زندان قصر توسعه زیادی پیدا کرد. پس از انقلاب ۱۳۵۷، این زندان محل حبس زندانیان غیرسیاسی بود.

گفته می‌شد هر شب از زندان اوین صدای تیربار می‌آمد و بامداد روز بعد در روزنامه نام کسانی را که اعدام شده بودند منتشر می‌شد. در یکی از دفعات دویست و پنجاه نفر اعدام شده بودند. ما نیز در تمام طول شب صدای تیربارها و تک تیرها را شمرده بودیم. این طوری بود که هوای خنک اوین به هوای دوزخ تبدیل شده بود.

در سال ۱۳۸۳، این زندان تعطیل و شهرداری شروع به تخریب بخش‌هایی از زندان نمود که با پیگیری کانون زندانیان سیاسی قبل از انقلاب با ثبت زندان به عنوان آثار ملی در سازمان میراث فرهنگی از تخریب آن جلوگیری و متعاقباً به وسیله شهرداری به باغ موزه تبدیل گردید. البته در این میان تا قبل از ثبت محل، زندان زنان سیاسی تخریب شد. اولین زندانی زندان قصر، سازنده آن یعنی سرتیپ درگاهی بود. او تنها دو روز پس از همراهی رضا شاه در مراسم افتتاح زندان، در همان زندان محبوس گردید.

زندان اوین از بدو تاسیس بر خلاف سایر زندان‌های دیگر در زمان شاه مخصوص زندانیان سیاسی ساخته شد؛ و تا پیش از پیروزی انقلاب، توسط ساواک اداره می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب؛ حزب موتلفه مدیریت این زندان را بر عهده گرفت. محمد کچوی اولین رئیس آن بود. او به طور کامل تحت سرپرستی اسدالله لاجوردی دادستان تهران، که دفتر آن در ساختمان اداری اوین قرار داشت، عمل می‌کرد. زندان اوین در زمان حکومت اسلامی به سبب وسعت جنایات و آدم‌کشی‌هایی که در آن صورت گرفته است، قابل مقایسه با هیچ زندانی در جهان نیست.

اوین علاوه بر این که در زمان شاه محل تیرباران و شکنجه بسیاری از آزادی‌خواهان و مبارزان و کمونیست‌ها آن دوره بود، در زمان خمینی و خامنه‌ای به طور غیرقابل مقایسه‌ای به قتل‌گاه آزادی‌خواهان و مخالفاندر آمده است.

به جز محکومین سیاسی، محکومین مالی با عناوین مجرمانه کلاهبرداری، صدور چک بی‌محل، فروش مال غیر، جعل سکه، اختلاس، رشوه، اعمال نفوذ در دستگاه‌های اقتصادی، کلاهبرداری الکترونیکی و غیره نیز نگاه‌داری می‌شوند.

چندی پیش حسن نوروزی، نایب‌رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به حجم بالای احکام زندان برای مجرمان در «ایران» گفت: «جمعیت زندان‌های ایران باید از ۲۴۰ هزار زندانی به ۲۰ هزار برسد و تنها افراد خطرناک در زندان باشند.» او افزود: «افراد عادی باید جریمه و بدهی خود را پرداخت کنند. چرا فردی با یک میلیون تومان بدهی باید در زندان بماند؟»

این گفته، به صورت تلویحی نشان می‌دهد که آمار تعداد زندانیان در «ایران»، حدود ۵۰ هزار مورد بیش از آن چیزی است که در موسسات بین‌المللی به ثبت رسیده است. با این همه، در سال‌های اخیر «ایران» تلاش کرده که از تعداد زندانیان خود بکاهد.

در همین راستا، چندی است که استفاده از «پابند الکترونیک» پیشنهاد شده که برای زندانی‌های جرائم عادی، راه‌حل مناسبی است. در این روش، فرد زندانی عملاً در «حبس خانگی» قرار می‌گیرد و در برخی موارد، حتی می‌تواند در محدوده محله یا حتی شهر هم رفت‌وآمد داشته باشد، اما خروج از این محدوده زنگ هشدار را فعال می‌کند که پلیس را با خبر می‌کند.

«پابند الکترونیک» از این جهت هم راه‌حل خوبی است که زندگی عادی افراد با جرائم معمولی را به خطر نمی‌اندازد. در شرایطی که فرد به خاطر به دلیل بدهی‌های جزئی (مثلاً یک میلیون تومان یا ۱۰ میلیون تومان) به زندان می‌افتد، علاوه بر بار شدن هزینه نگهداری از او بر نظام حکمرانی کشور، اقتصاد خانواده او نیز به هم می‌خورد، اما با استفاده از «پابند الکترونیک» مشکلات این حوزه هم رفع می‌شوند. گفته می‌شود غذای زندانیان سیاسی مانند غذای سایر بندهای عمومی زندان نمی‌باشد، کیفیت غذاها در سطح بسیار پایینی است چه از نظر کیفیت مواد اولیه که بعضاً حتی مواد فاسد شده در غذا باعث مسمومیت زندانیان شده است، و چه برنامه غذایی آن که خالی از مواد مغذی است به طوری که بیش‌تر غذاها از موادی مانند سبب زمینی و حبوبات تشکیل شده است و گوشت (هرچند بی کیفیت) عملاً مقداری نزدیک به صفر دارد، در نتیجه اکثر زندانیان مجبورند مایحتاج غذایی خود را از فروشگاه بند تهیه نمایند، فروشگاه جواب‌گوی نیاز این تعداد زندانی‌ها نیست و زندانیان مجبورند با غذای بی کیفیت زندان سر کنند به همین جهت افرادی که در بند زندانیان سیاسی هستند همگی از قشر نخبه جامعه مدنی ایران هستند حتی با محدودیت شدید غذایی نیز مواجه می‌باشند که باعث شده خانواده‌های این افراد با دیدن چهره‌های تکیده و رنجور عزیزان‌شان در ملاقات‌ها نسبت به عدم رسیدگی مسئولان به حداقل مسائل معیشتی زندانیان انتقاد داشته باشند چرا که معتقدند باید لاقلاً امکان خرید فرزندان‌شان از فروشگاه فراهم باشد.

هم‌چنین زندانیانی که بسیاری از آنان به علت شرایط نامناسب دوران بازجویی از وضعیت سلامتی مطلوبی برخوردار نیستند مجبور هستند ساعت‌ها در صف فروشگاه برای تهیه مواد غذایی بایستند. در بسیاری از موارد هم فروشگاه مشکل محدودیت خرید را هم برای زندانیان در نظر گرفته در حالی که آن‌ها به دلیل کیفیت وحشتناک غذا باید با خرید مایحتاج اولیه خود غذا تهیه کنند. افزون بر این، فروشگاه از ساعات کاری منظم و روزهای برنامه‌ریزی شده برخوردار نیست و برخی وقت‌ها مسئولان زندان برای ایجاد فشار غیرمحسوس بر زندانیان سیاسی روزها فروشگاه را در حالت نیمه تعطیل قرار می‌دهند، مانند روزهایی که زندانیان در اسفند سال گذشته از گرفتن غذای زندان به نشانه اعتراض خودداری کرده بودند و فروشگاه سه روز تمام باز نشد.

پایین بودن سطح بهداشت و سهولت انتقال بیماری‌ها و هم‌چنین علاوه پتوها و وسایل خواب زندانیان نیز عموماً کثیف و غیر بهداشتی است. دست‌شویی و ظرف‌شویی نیز در یک مکان قرار دارد که طبعاً آزار دهنده و از نظر بهداشتی کاملاً نامناسب است.

مسئولان زندان از زندانیان برای نظافت راهروها، هواخوری، دست‌شویی‌ها و زندان استفاده می‌کنند که به‌نوعی بهره‌کشی از زندانیان تلقی می‌شود. علاوه بر تاسیسات بهداشتی و نظافتی به‌شدت فرسوده و قدیمی است که خود سبب بروز مشکلات بهداشتی می‌شود. اکثر زندانیان به علت فشارهای جسمی و روحی شدید وارده در دوران بازجویی، مبتلا به انواع بیماری‌ها و ناراحتی‌های جسمی می‌باشند، دریند زندانیان سیاسی بهداری یا مکانی برای استفاده زندانیان از دارو یا خدمات پزشکی وجود ندارد و این امر تنها با مراجعه به بهداری زندان میسر است. انتقال زندانیان به بهداری و ویزیت پزشک نیز با مشکلات و محدودیت‌های فراوان روبه‌روست، به طوری که هر روز از کل زندانیان سیاسی مانند بند ۲۵۰ اوین کمتر از ۱۰ نفر اجازه انتقال به بهداری را می‌یابند که این امر موجب می‌شود عده‌ای از زندانیان که احتیاج فوری به درمان یا استفاده از داروهای مسکن یا داروهای مخصوص به خود دارند مدت زیادی از مراجع به بهداری و استفاده از خدمات درمانی محروم شوند. در بیش‌تر موارد زندانیان با وجود نیاز مبرم به درمان جدی، از دسترسی به امکانات درمانی و پزشک محروم هستند. برای مثال بارها رخ داده که یک زندانی سیاسی بدحال شده و نیاز به مداوای فوری داشته اما مسئولان زندان از اعزام وی به بهداری سرباز زده اند. آن‌ها معتقدند تنها در زمانی نیاز به بهداری وجود دارد که زندانی حتماً بیهوش شده باشد. چنین رویه‌ای در اسفند سال ۸۷ منجر به مرگ امیدرضا میرصیافی در بند هفت زندان اوین شد، وبلاگ‌نویس جوانی که به دو سال و نیم حبس محکوم شده بود و سرانجام در زندان به دلیل فشار وحشتناک زندان بر این جوان جان باخت.

گزارش‌های نگران‌کننده از سلامت جسمی و روحی زندانیان سیاسی روزبه‌روز ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد و ابتلای برخی از زندانیان به بیماری‌های قلبی و مغزی و بینایی آن‌ها هم‌چون زینب جلالیان و رضا شهبانی و... نشانه‌ای واضح از فشارهای وارد شده بر آن‌ها در دوران بازداشت است. لیست بلندبالایی از فعالان سیاسی و اجتماعی بازداشت شده در شهرستان‌ها و استان‌ها را هم باید در کنار زینب و رضا اضافه کرد که عمدتاً به دلیل گمنام بودن تحت فشارهای مضاعف قرار می‌گیرند.

با وجود این نگرانی‌های روزافزون درباره سلامت زندانیان سیاسی مسئولان قضایی و امنیتی تاکنون نه تنها تلاشی برای تغییر رویه حاکم انجام نداده اند بلکه با عدم تمديد مرخصی برخی از زندانیان بیمار، نگرانی‌ها درباره سلامت آنان را دو چندان کرده‌اند. وجود چنین شرایطی است که هرگونه امید بستن به تأثیرگذاری و عملی شدن طرح‌هایی مانند تحقیق و تفحص از بازداشتگاه‌های کشور را بی‌معنا ساخته و این گمان را تقویت کرده که دستگاه‌های قضایی و امنیتی حکومت اسلامی به‌طور کاملاً عامدانه و سیستماتیک دست به نقض مستمر حقوق زندانیان می‌زنند.

بر اساس ماده ۲۵ استانداردهای رفتار با زندانیان که در اولین کنگره سازمان ملل متحد ناظر بر پیش‌گیری از جرم و رفتار با مجرمین در سال ۱۹۵۵ در ژنو برگزار شد آمده است که «پزشک زندان مسئول مراقبت از سلامتی جسمی و روحی زندانی است. او باید هر روز از بیماران و افرادی که از بیماری شکایت دارند و نیز افرادی که خود مشکوک به ابتلای آن‌ها به بیماری است، عیادت کند.» بند دوم این ماده نیز تصریح می‌کند که «هرگاه پزشک تشخیص دهد که وضعیت سلامتی جسمی یا روحی یک زندانی به دلیل تداوم و یا شکل خاصی از حبس لطمه دیده است و یا لطمه خواهد دید، موظف است گزارشی تهیه و به مدیر زندان ارسال کند.»

در قوانین داخلی ایران نیز پیرامون رعایت سلامت زندانیان در ماده ۱۰۲ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور آمده که «بهداری زندان مکلف است حداقل ماهی یک بار نسبت به انجام تست پزشکی تمامی محکومان مبادرت کند و ماده ۱۰۳ همین آیین نامه نیز معالجه و خروج محکوم از زندان جهت مداوا را منوط به تایید بهداری زندان و موافقت قاضی ناظر دانسته است با این حال عملکرد مسئولان قضایی به عنوان متولیان زندانها در قبال زندانیان سرشار از نقض حقوق قانونی آنها بوده است. برای نمونه موارد متعددی وجود داشته که مسئولان بهداری زندان انجام معاینات و رسیدگی پزشکی در بیمارستانهای خارج از زندان را بر زندانیان توصیه کرده‌اند اما مقامات قضایی نسبت به این وضع بی توجه بوده و زندانیان را در شرایط دشوار جسمی و روحی حاد از این امکان محروم کرده‌اند. در مواردی هم که مقام های زندان با مرخصی زندانیان برای مداوا موافقت کرده اند در شرایطی این کار را انجام داده‌اند که نگهداری زندانی می توانسته خطر مرگ را برای او به همراه داشته باشد.

افسران نگهدارنده تلاش می کنند تا با فشار مضاعف بر زندانیان سیاسی و بد رفتاری با آنها، زندانیان سیاسی را خرد کنند. هم چنین مسئولان زندان با استفاده از ابزارهای غیرقانونی، می کوشند انسجام زندانیان سیاسی از میان ببرند، خردچینی را رواج دهند و ناامنی روانی را ایجاد کنند. اعلام هواخوری اجباری، ورزش صبحگاهی و جست و جویهای غیرمعمول وسایل زندانیان سیاسی از جمله دیگر بد رفتاری های اعمال شده در زندانهای بندسیاسی حکومت اسلامی ایران است. مسئولان زندان، هم چنین می کوشند تا در طی دو بار آمارگیری از زندانیان، آنها را مورد تحقیر قرار دهند. با وجود آن که افسران نگهدارنده می توانند با مراجعه به هر اتاق آمار زندانیان را به دست آورند اما آنها در بیشتر اوقات، برای آمار زندانیان را مجبور به خروج از سلولهای خود و مراجعه به هواخوری می کنند. در وقت هایی نیز که آمار در اتاقها گرفته می شود، زندانیان سیاسی مجبور می شوند، دقیق بسیاری را در ردیفهای منظم روی زمین بنشینند تا با دست شمارش شوند و این رفتار به گواه زندانیان بسیار تحقیرآمیز است.

علاوه بر این، وجود معضلی به نام «کف خوابی» نکته تاسف باری است که با وجود اعتراضات و درخواستهای فراوان ادامه دارد، و بسیاری از زندانیان به علت کمبود تخت مجبور به خوابیدن بر روی زمین هستند، که در زمستان به علت سرمای زمین باعث افزایش شدید زندانیان بیمار می شود.

مسئله در هنگام بازداشت و زندانی بودن زندانیان سیاسی به خانواده های آنها اخطار می دهند از طریق پیامک و تلفن که در صورت هرگونه رسانه ای کردن و درج دادن اخبار به بیرون با نهاد های امنیتی روبه رو می شوید.

و یا این که ماموران اطلاعاتی بدون داشتن مجوز قانونی با هجوم به خانه افراد، ضمن تفتیش و بازرسی منزل، وسایل شخصی از قبیل؛ لبتاپ، گوشی تلفن همراه و چندین کتاب را ضبط می کنند.

و یا این که با روحیه خانواده های زندانیان سیاسی بازی می کنند که آنها را اعدام می کنیم امروز یا فردا و یا این که آنها را اعدام کرده اند و می گویند اعدام نکرده ایم.

مواد مخدر و اعتیاد، لواط، اجاره و فروش زندانیان جوان به مبلغ ۲۵۰ هزار تومان برای استفاده جنسی، ضرب و شتم زندانیان با زنجیر و باتوم و استفاده از سگ های موادیاب برای ارباب و زخمی کردن، تنها درصدی از شکنجه هایی است که در این زندان اتفاق افتاده است. در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، زنان همواره تحت فشارهای سخت و اذیت و آزار و به طور کلی به طور سیستماتیک سرکوب می گردند. شکنجه های وحشیانه علیه زنان زندانی حاکمیت دیکتاتوری روحانیت، یکی از بزرگ ترین جنایات های حاکمان ایران بر علیه بشریت است. در ایران امروز، بیش از ۴۵ نوع شکنجه علیه زندانیان سیاسی در ایران اعمال می گردد. از جمله شکنجه های مرسوم در زندان های حکومت اسلامی که از دهه ۶۰ بر زندانیان و قربانیان شکنجه در ایران اعمال می شود می توان به موارد زیر اشاره کرد: «شلاق و کتک زدن، آویزان کردن، سوزاندن، فروبردن اجسام تیز در بدن، فروبردن فلزات داغ شده در بدن، کشیدن ناخن، تجاوز جنسی، درآوردن چشم از حدقه، بریدن اعضای بدن و اعدام مصنوعی.»

فشار و شکنجه بر زنان در زندانها، همواره با وحشی گری و شدت مضاعف همراه است. تجاوز به زنان در مقابل همسران شان و شکنجه و تیرباران زنان باردار از جمله این موارد است.

هم چنین توهین، تحقیر و تهدید به تجاوز از اهرم های فشار روانی و مصداق بارز شکنجه علیه زنان زندانی در زندان های حکومت اسلامی است.

در شکنجه گاه قرچک ورامین حدود ۶۰ زندانی در قرنطینه زندان در یک جای تنگ به سر می برند.

یکی از قربانیان شکنجه در ایران زینب حلالیان، زندانی سیاسی کرد است که در اسفند ۱۳۸۶ دستگیر شد. طینب به لحاظ جسمی و روانی در ۱۵ سال اخیر تحت فشارهای بسیار شدید بوده است. شلاق، کوبیدن سر به دیوار و شکستن پیشانی، تهدید به تجاوز، اعتراف گیری دروغین و اجباری و ماه های متمادی سلول انفرادی از شکنجه های اعمال شده بر اوست.

زینب جلالیان به بیماری های مختلفی از جمله ناراحتی کلیوی، ریوی و گوارشی، فشار خون، کرونا، ضعف بینایی، ناخنک چشم، برفک دهان و عفونت دندان مبتلا شده است.

با وجود نیاز به درمان در خارج از زندان اجازه انتقال وی به بیمارستان توسط مسئولان زندان داده نشده و او را بدون طی دوره درمان به زندان بازگردانده اند.

به دلیل این شکنجه های جسمی و روحی، خانواده زینب به شدت نگران وضعیت و سلامتی اش هستند. یک منبع مطلع روز ۲۲ دی ماه ۱۴۰۰ اعلام کرد که ۵۳۰ روز از آخرین باری که زینب جلالیان با خانواده اش تماس گرفت می گذرد.

مریم اکبری منفرد از خانواده اعدای دهه ۶۰ و قتل عام ۱۳۶۷ است. وی که سه فرزند دختر دارد، ۱۳ سال است بدون حتی یک روز مرخصی در زندان به سر می‌برد.

در حالی که طبق قوانین حکومت اسلامی، وی بعد از گذراندن دو سوم از ۱۵ سال حبس خود آزاد می‌شد. ولی وزارت اطلاعات ملایان نه تنها مانع از این کار شده است بلکه شرایط بدتری را به او تحمیل کرده است.

تجاوز، شکنجه و آزارهای جنسی متهمان و زندانیان زن، سابقه‌ای به درازای عمر حکومت اسلامی ایران در بیش از چهار دهه اخیر دارد. تهدید و عمل به تجاوز، استفاده از الفاظ رکیک جنسی، لمس بدن و دیگر آزارهای مبتنی بر جنسیت زنان زندانی در ایران معمولاً از لحظه دستگیری آنان آغاز می‌شود و در تمامی مراحل از بازجویی و دادگاه گرفته تا زندان ادامه می‌یابد. آزارگران نیز طیف وسیعی از مردان وابسته به حکومت مستبد و دیکتاتور اند که با اتکا به حاشیه امنی که حکومت به آنان اعطا کرده؛ زنان را آزار و شکنجه می‌دهند و به هیچ نهادی هم پاسخگو نیستند.

سازمان عفو بین‌الملل، پس از اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۸ اعلام کرد که یک مامور امنیتی، زنی را که بازداشت شده بود در اتاقی وادار به رابطه جنسی دهانی کرده است. رها بحرینی، پژوهش‌گر سازمان عفو بین‌الملل در گفت‌وگویی نیز گفت که این زن علاوه بر رابطه جنسی دهانی، برای برقراری رابطه جنسی با مامور امنیتی نیز تحت فشار قرار گرفته است. او همچنین تأکید کرد که بسیاری از زنان و قربانیان شکنجه و آزار جنسی، امکان شکایت ندارند زیرا با آزارهای بیش‌تری مواجه می‌شوند.

نهایتاً از نظر نسبت تعداد زندانی به جمعیت، فقط سه کشور آمریکا، روسیه و برزیل بیش از ایران زندانی دارند و ایران چهارمین کشور پر زندانی دنیاست.

ایران یکی از پر زندانی‌ترین کشورهای دنیاست. غلامحسین اسماعیلی رییس سابق سازمان زندان‌ها تعداد زندانیان ایران را ۱۵۰ هزار نفر اعلام کرده بود. مرکز بین‌المللی مطالعات زندان‌ها تعداد زندانیان ایران در سال ۲۰۱۲ را رقمی در حدود ۲۵۰ هزار نفر اعلام کرده و تعداد زندانیان در ابتدای سال ۲۰۱۳ را ۲۱۷ هزار نفر دانسته است.

با در نظر گرفتن آمارهای مختلف، جایگاه ایران در میان کشورهای دنیا از نظر نسبت زندانی به جمعیت در رده چهارم تا هشتم جهان قرار می‌گیرد. اگر آمار ۲۱۷ هزار نفر را بپذیریم، فقط هفت کشور دنیا بیش از ایران زندانی دارند. اگر نسبت تعداد زندانی به جمعیت را در نظر بگیریم نیز، فقط سه کشور آمریکا، روسیه و برزیل بیش از ایران زندانی دارند و ایران چهارمین کشور پر زندانی دنیاست.

مقام‌های قضایی و کارشناسان امور اجتماعی در ایران، همواره از افزایش سریع تعداد زندانیان در ایران و بیش از آن از عدم افزایش ظرفیت زندان‌ها و فضای نامناسب نگهداری زندانیان ابراز نگرانی کرده‌اند.

آمار دقیقی از تعداد زندان‌های کشور وجود ندارد، اما جست‌وجو در سایت سازمان زندان‌های ایران، تعدادی در حدود ۱۰۰ زندان اصلی را با ذکر نام مشخص می‌کند. اکثر زندان‌های بزرگ ایران، پس از تهران و کرج، در شهرهای مرزی با شرایط بد اقتصادی و آب و هوایی قرار گرفته‌اند.